



اصول زیبایی شناسی و مفاهیم نهفته در تزیینات مقابر ایران از صدر اسلام تا پایان دوره ایلخانی

زهرا محمدیان فارسانی^{۱*}، حبیب شهبازی شیران^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی،

Zahra.m1369@gmail.com

۲. دانشیار گروه آموزشی باستان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

habibshahbazi35@gmail.com

چکیده

هدف: هدف اصلی از این پژوهش تحلیل، اصول زیبایی شناسی و مفاهیم نهفته در تزیینات بناهای آرامگاهی ایران از صدر اسلام تا پایان دوره ایلخانی بوده است.

روش شناسی پژوهش: روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. داده ها به صورت میدانی و کتابخانه ای گردآوری شده اند

یافته ها: یافته های این پژوهش شامل طبقه بندی و گونه شناسی مقابر در هر دوره تاریخی، تطبیق و مقایسه مقابر هر دوره با ادوار پیشین و بعد از خود، مطالعه سبک های معماری و تزیینات وابسته به معماری در این بناها و تغییر و تحولات به وجود آمده در عناصر معماری بناها بوده است.

نتیجه گیری: مقابر از کهن ترین بناهایی می باشند که در ادوار تاریخ هنر در سراسر جهان مقابل در همه فرهنگ ها به گونه ای از استفاده کردند این مقابر ارتباط مستقیمی با فرد فوت شده داشته است و در معماری این دسته از بناها، از همان اصول و عناصر معماری همچون، قوس های مازهدار، گوشه سازی ها، نحوه اجرای گنبد، کوردرها و پنجره های کور و غیره در مقابر آرامگاهی بهره برده شده است. در دوره سلجوقی شاهد پیشرفت کلی و همه جانبه در ارتباط با ساخت بناهای آرامگاهی هستیم. از نظر نوع فرم و شکل، مصالح و تزیینات، نقشه و نوع پوشش انجام گرفته، نشان می دهد که در مقابر دوره سلجوقی انواع طرحها و نقشه و انواع طاق و گنبد در مقابر این دوره مورد استفاده قرار می گیرد. با بررسی بناهای برجای مانده از دوره ایلخانی می توان دریافت که در این دوره نیز به مانند دوره سلاجقه ساخت ابنیه مذهبی همچون مساجد و مدارس و آرامگاهها بیش از بناهای غیر مذهبی مورد توجه بوده است. مقابر دوره ایلخانی تحت تاثیر سنت های معماری دوره سلجوقی بوده و در هر دو دوره از طرحها و سازه مشترک (سنگ در سردابه و آجر در گنبدخانه) استفاده شده و بناها اغلب در دسته مقابر برجی شکل جای دارند.

واژه های کلیدی: معماری اسلامی ایران، بناهای آرامگاهی، زیبایی شناسی معماری، تزیینات بناهای آرامگاهی



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

مقدمه

مقابر از کهن‌ترین بناهایی می‌باشند که در ادوار تاریخ هنر در سراسر جهان مقابل در همه فرهنگ‌ها به گونه‌ای از استفاده کردند این مقابر ارتباط مستقیمی با فرد فوت شده داشته است. مردم ساده از مقابر با تزئینات عادی و افراد شناخته شده از آرامگاه‌های شاخص تری برخوردار شدند امامزاده‌ها پس از بناهای مذهبی مانند مسجد حائز رتبه دوم بودند. حتی برخی از محققان بیشتر از مساجد مقابل توجه می‌کردند. این نوع بناها از تزئینات گوناگونی برخوردار بودند امامزادگان در سه گروه امام و امامزادگان عرفا و افراد شاخص ملی در حقیقت به عنوان واسطه‌هایی با گذشته و در نهایت مردم از آنها به خدا تمسک می‌جستند (غروی، ۱۳۷۶: ۱۰).

بنای آرامگاه‌ها در ایران بیشتر از سایر مناطق مورد توجه قرار می‌گرفتند. ایرانیان از قدیم به بزرگان خود احترام گذاشتند و آنها را مورد قرار می‌دادند و برای آنها پاسداشت آنها و نام نیک و نام نیک برای خودشان آرامگاه می‌ساختند (حاتم، ۱۳۷۹: ۱۰۲). از روی شمار زیادی مقبره مخصوصا مربوط به سده‌های میانه ایران اسلامی می‌توان پی برد که مقبره و مقبره‌سازی نزد ایرانیان تا چه حد مورد توجه و پذیرش عموم بوده است.

در سراسر جهان اسلام بناهای تاریخی بر جای مانده در ایران را باید مهمترین مجموعه‌ی آثار تاریخی در جهان دانست و این اهمیت مرهون غنا و تنوع و عظمت خود بناهاست که بر اساس دو عامل مهم تکوین شده و استواری یافته است؛ یکی استعداد و نبوغ معماران ایرانی که ریشه‌های آن را باید در جهان پیش از درخشش اسلام جست و جو کرد. فراموش نکنیم که در این میان آرامگاه‌ها دارای مقام شایسته هستند، چه این بناها در میان همه‌ی بناهای تاریخی پس از مسجد در زمره‌ی مهمترین بناها هستند (غروی، ۱۳۷۶: ۹۴). از همه مهمتر می‌توان گفت که ارادت و تسول خاصی که مردم این مرز و بوم مخصوصا شیعیان به اهل بیت، امامان و امامزادگان دارند مهمترین دلیل برای حفظ آرامگاه‌ها بوده است. این احترام حتی مقابر غیر مذهبی و شخصی را نیز زیر لوای خود برده و آنها نیز در زیر سایه آرامگاه‌های مذهبی از این خلوص نیت و ارادت خاص بهره‌مند شده‌اند و همین عامل باعث موصون ماندن آنها از دستبرد در طی روزگاران شده است.

به لحاظ اهمیت ویژه‌ای که مقابر در طی ادوار مختلف اسلامی دارند، پیوسته پیچیده‌ترین، مهمترین و به روزترین تکنیک‌های معماری جهت ساخت و بنای آنها مورد استفاده قرار می‌گرفته و از طرف دیگر همواره زیباترین و مهمترین نقوش و تزئینات بر روی این دسته از بناها به اجرا در می‌آمده است. بر همین اساس همانطور که در بررسی و مطالعه معماری دوره‌ی اسلامی ایران دیده می‌شود، در دوره سلجوقی تکنیک‌های مختلف آجرکاری و نقوش به اجرا درآمده به وسیله آن که مهمترین و پرکاربردترین تزئین در بناهای این دوره بوده، به وفور بر بدنه مقابر این دوره دیده می‌شود که از جمله زیباترین تزئینات آجرکاری این دوره را می‌توان در برج‌های خرقان قزوین و گنبد سرخ مراغه مشاهده کرد. در عصر ایلخانی نیز رشد روز افزون صنعت گچبری و در پی آن کاشیکاری، به عاملی مهم برای تزئین مقابر مغولان در آمده است که بعنوان نمونه می‌توان به گچبری‌های گنبد علویان همدان و تزئینات کاشیکاری گنبد سلطانیه اشاره کرد. در ادوار تیموری و صفوی نیز کاشیکاری که مهمترین تکنیک و تزئین در معماری بناها بوده، در سطح بسیار وسیع در مساجد و مقابر این ادوار استفاده شده است (معروفی اقدم، ۱۳۹۲: ۵ - ۱۵).

همانطور که هیلن براند نیز به آن اشاره می‌کند، در ایران با توجه به اینکه آیین زرتشتی دین رسمی مردم، قبل از ورود اسلام بوده و رسم آرامگاه سازی در این دین جایگاهی ندارد و از طرف دیگر ممانعت شدید قرآن و حدیث باعث شروع دیر به هنگام مقابر به معنای واقعی کلمه در این سرزمین نسبت به دیگر سرزمین‌های اسلامی شده است. اما با وجود این امر نگرش‌ها و افکار و احکام مذهب شیعی موجب رشد روز افزون این دسته بناها گشت به طوری که ساخت مجموعه‌های آرامگاهی برای امامان و امامزادگان در اولویت پروژه‌های عمرانی و معماری حاکمان و مردم قرار گرفت و خصوصا از دوره سلجوقی به بعد، مقابر و بناهای آرامگاهی رونق عام پیدا می‌کند.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

لذا هدف از مقاله پیش رو پاسخدهی به این سوال اصلی پژوهش هست که اصول زیبایی شناسی و عناصر بصری برج های آرامگاهی در دوره صدر اسلام چه ویژگی‌هایی دارند؟

گونه‌شناسی مقابر

صرف نظر از شیوه‌های معماری و پلان، مقابر دوران اسلامی را می‌توان به دو گروه عمده‌ی مقابر مذهبی و مقابر غیر مذهبی تقسیم کرد:

هر دو گروه از این نوع بناها از نوع بناهای مقبره‌ای قرار می‌گرفتند. در ساخت آن‌ها یک هدف واحد وجود داشته است. از نظر نوع کارکرد با هم تفاوت دارند. آرامگاه‌های مذهبی در طول دوره‌ها بازسازی شدند، ولی در ساخت آرامگاه‌های غیر مذهبی نشده و به همان حالت در طول سال مانده‌اند. از نظر ریخت‌شناسی نیز مقابر به دو گروه اساسی تقسیم می‌شوند:

۱. مقابر با نقشه چهار گوش گنبددار و ۲. برج‌های مقبره‌ای؛ مقابر نوع اول در اوایل سده‌ی ۴ ه. ق در ماوراءالنهر شکل گرفت. این بنا سبک خاصی از آرامگاه‌سازی را ارائه کرد که مبتنی بر یک چهارطاقی گنبدپوش است. بهترین نمونه‌ی آن آرامگاه امرای سامانی در بخارا است که بین سال‌های ۲۹۷ تا ۳۳۱ ه. ق ساخته شده است. از نمونه‌های اولیه مقابر برجی نیز می‌توان به گنبد قابوس ساخته شده به سال ۳۹۷ هجری در گرگان [جرجان قدیم] اشاره کرد که سرآغازی برای ساخت این دسته از مقابر ایرانی است و به عنوان الگوی سایر مقابر با نقشه‌های مدور، ستاره‌ای و ... شد. (۱۲)(۱۳)

مقابر از نظر نقشه و پلان به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. انواع پلان به جای مانده تا پایان دوره ایلخانان عبارت‌اند از :

- ۱- پلان مربع: ساختمانی مکعبی شکل با چهار ورودی و گنبدی در رأس (در گونه‌های بعدی یک ورودی وجود دارد).
- ۲- پلان دایره: بنایی استوانه‌ای با گنبدی بر فراز آن که ممکن است با مخروطی پوشانده شده باشد. (شکل‌های گوناگون این طرح لبه‌های عمودی دارند).

- ۳- پلان شش ضلعی: نمونه‌های محدود به جای مانده از این طرح چنان ویران شده‌اند که تعیین قدمتشان دشوار است و به همین دلیل نمی‌توان درباره‌ی آنها نتیجه‌گیری کرد. نمونه‌های بجای مانده عبارت‌اند از : پیرمراد در توران‌پشت، یافته گزافهروری در غبیرای کرمان و دیگری که کلایس آن را در کاج اصفهان یافته است [به این دسته می‌توان مقبره سید صدرالدین چالدران از دوره‌ی صفوی را نیز افزود].

- ۴- پلان هشت ضلعی: آرامگاه با بدنه‌ای هشت ضلعی با گنبدی یک یا دوپوش (ممکن است گنبد بیرونی نیم دایره‌ای باشد).

- ۵- پلان ده ضلعی: بنایی استوانه‌ای ده ضلعی، پوشانده شده با یک گنبد درونی و یک مخروط بیرونی.

- ۶- پلان دوازده ضلعی (۱۴)

ریشه‌ها و انگیزه‌های ساخت مقابر

ساخت و ساز مقابر آرامگاهی در ایران و جهان اسلام، پرسش‌های اساسی و مهمی را درباره نحوه‌ی گسترش آن مطرح می‌سازد و در این باره نظریات مختلفی از سوی محققین ایرانی و خارجی ارائه شده است. از جمله نظریاتی که درباره‌ی با برپایی آرامگاه‌ها مطرح شده است، مسئله جهاد و شهادت است. در خود ایران و در قسمت‌های شمال شرق و در طول مسیر آسیای مرکزی که این قسمت فعال‌ترین مسئله جهاد مسلمانان با کفار بوده است. در این قسمت ما تعداد زیادی آرامگاه داریم. البته نباید گفت که مسئله جهاد با ساخت آرامگاه‌ها ارتباطی دارد، زیرا در نواحی دیگر مانند جنوب اسپانیا که مسئله جهاد در



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

قرن نهم و دهم زیاد بوده هیچ نوع آرامگاه وجود ندارد. ایمان داریم در پایان می توان گفت جهاد می تواند یکی از انگیزه های اصلی ساخت آرامگاه باشد (۱۴) نظریه ی دیگر که انگیزه های خارجی و غیر اسلامی را در ایجاد بناهای آرامگاهی مطرح می سازد، نفوذهایی از سوی غرب است. در خود دمشق رسم مقبره از قبل وجود داشته داشت. البته این رسم با آنچه ما آن را مقبره بدانیم متفاوت است. این بناها به مارتیریا معروفند. در این نوع بناها، جسد و یا استخوان و یا این نوع بناها جایگاه وقایعی مانند وحی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده بود. در ناحیه سوریه سنت آرامگاه سازی بسیار رایج و غنی بود. ابنیه رومی که به مارتیریا (مشاهد) معروفند، اجساد یا استخوان های مقدس قدیسان یا شخصیت های کتاب مقدس را در خود جای داده اند و یا محل وقوع رویدادی مهم یا وحی و ... بودند که در تورات و انجیل به آن ها اشاره شده است (۱۵). برخی احتمال داده اند که برج های دیده بانی چینی، الگوی ساخت این نوع مقابر در ایران بوده است (۱۶) اما در این باره که چگونه این شکل به صورت اندیشه ای فراگیر و غالب به سرزمین پهناور ایران رسیده و رونق بسزایی یافته، سخنی نمی گویند (۱۷)

انگیزه ی مهم دیگر در شکل گیری و گسترش مقابر افکار شیعه که در گسترش این نوع افکار نقش اصلی ایفا کرده است این است که نقطه اصلی آن کشور ایران بوده است. مناطقی مانند کربلا، نجف، سامرا، مشهد و قم مهد اصلی تمایلات مذهبی مردم شیعه گردید. عواملی مانند رسم زیارت، اقامه نماز، دعا خواندن و قرائت قرآن اگر مبحث رقابت نباشد؛ از عوامل بودند که در ایجاد ساخت بناهای مذهبی تاثیر گذار بودند گردید (۱۸). شماری نیز در پی ریشه یابی ساخت چنین ساختمان های یادمانی، به مصر در عصر خلافت فاطمیان (سده ۶-۴ ه.ق) توجه کرده اند و با ملاحظه شمار متنابهی از بناهای تدفینی در آن سامان، به غلبه مذهب شیعه و حکومت یافتن آن در مصر و ساخت چنین یادمان هایی پرداخته اند. برخی دیگر از مورخان هنر اسلامی از جمله هیلن براند، بناهای چهارطاقی ساسانی را الگویی برای مقابری مجلل از جمله آرامگاه اسماعیل سامانی در بخارا (۳۳۳ق/۹۴۳م)، گنبد علی در ابرقو (۴۴۸ق/۱۰۵۶م) و گنبد قابوس در شهر جرجان قدیم دانسته اند (۱۷)

۳ فرضیه دیگر در رابطه با ریشه و انگیزه ی ساخت آرامگاه های اسلامی ایران، تاثیر پذیری آنها از آرامگاه های پیش از اسلام است که همان طور که هیلن براند نیز متذکر می شود، هیچ نوع سنت قابل ذکری از بناهای تدفینی آزاد، به جز مقبره کوروش [او مقبره منسوب به چیش پیش (۶۴۰ - ۶۷۵ ق.م)، پسر و جانشین هخامنش، معروف به گور دختر در سرمشهد کازرون] که نمونه ای استثنایی است، وجود ندارد (۱۶). مهدی غروی نیز تاثیر استودان های پیش از اسلام را پیشنهاد می کند (غروی، ۱۳۷۶: ۱۲۳). هیلن براند بر این عقیده است که بناهای آرامگاهی مخروطی تقلیدی از خیمه و خرگاه مغولان در آسیای مرکزی اند (همان: ص ۲۷۳) و همچنین از دیگر نظریاتی که در باب منشأ و یا فلسفه وجودی مطرح شده می توان به در تنگنا قرار گرفتن کانون های شیعی در فضاهای عمدتاً سنی اشاره کرد.

آرامگاه سازی در ایران از صدر اسلام تا آغاز دوره سلجوقی

از سده اول تا سده سوم هجری قمری هیچ نوع آرامگاهی در ایران که بتوان تاریخ معتبری به آن نسبت داد، باقی نمانده است؛ ولی شاید بتوان تدفین هارون الرشید در خراسان را جزو نمونه های آغازین سنت آرامگاه سازی قلمداد نمود که خود زیربنای کوچکی برای آغاز تکوین بزرگترین بناهای آرامگاهی ویژه شیعیان جهان در مشهد بود، بدین نحو که پس از شهادت امام رضا (ع)، ایشان در همان مکانی که هارون الرشید مدفون شده بود، به خاک سپرده شد و بدین ترتیب بزرگ ترین و مهم ترین زیارتگاه مذهبی شیعیان در ایران شکل گرفت. هارون الرشید (۱۹۳ - ۱۴۸ هجری) خلیفه ی عباسی در سال ۱۹۳ ه.ق در خانه ی حمید بن قحطبه مرد و به خاک سپرده شد. این خانه در سناباد نزدیک نوغان از توابع توس قرار داشت. مأمون تا سال ۲۰۲ ه.ق در مرو بوده و در این سال بر گور پدرش گنبد و بارگاهی بنا و همین که امام رضا (ع) در سال ۲۰۲ ه.ق رحلت فرمود به دستور مأمون آن حضرت را در همان چهار دیواری در محوطه بالای سر وی به خاک سپردند. در دانشنامه جهان و اسلام می خوانیم: این قبه (آرامگاه هارون) که بعداً روضه امام شده، تقریباً مربع است، زیرا که اضلاع آن ۱۰/۴۰ × ۱۰/۶۰ متر



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

است و گور هارون را در وسط قبر قرار داده‌اند؛ سقف آن ضربی و فاقد گنبد بوده است (۲۰). شروع ساخت بناهای فعلی حرم امام رضا (ع) از سده‌های پنجم و ششم ه.ق. است و از بنای اولیه‌ی متعلق به هارون و حتی قبر او اثری برجای نمانده است با تأسیس دولت علویان در تبرستان در قرن دوم ه.ق. و سپس آل بویه، که با تسلط خویش بر خلافت عباسیان، آنها را تحت قیومت خود درآوردند و بر قلمرو وسیعی حاکم شدند، مذهب تشیع وارد مرحله‌ی تازه‌ای از حیات خویش شد و مقابر شیعیان و بقاع متبرکه مورد توجه خاص قرار گرفت. در عین حال همزمان با تضعیف قدرت خلفای عباسی و شکل‌گیری سلسله‌های مستقل و نیمه مستقل محلی، آرامگاه‌های غیر مذهبی متعلق به بزرگان و امراء و حاکمین نیز در کنار مقابر مذهبیون و مقدسین توسعه یافت و بدین ترتیب از قرن چهارم ه.ق. به بعد، مقابر مذهبی و غیر مذهبی در معماری اسلامی جای خود را باز نمود و ادامه یافت. (۲۱) بدین ترتیب از این سده به بعد (سده چهارم ه.ق.)، معماری آرامگاهی در میان دیگر بناهای اسلامی اهمیت و ارزشی والا برای خود دست و پا نمود و ظهور و گسترش آن در سایر نواحی مشاهده می‌شود که مهمترین دلایل آن در واقع ورود امامان و امامزادگان و ارادت خاص اهل تشیع نسبت به آنان می‌باشد.

با آغاز حکومت شیعی مذهبی علویان (۲۵۰ - ۳۱۶ ه.ق) در مازندران، بناهای آرامگاهی بر مزار سادات و امامزادگان نه فقط در منطقه زیر نفوذ سیاسی و نظامی آنها، بلکه در مناطق دیگری نیز چون نجف و کربلا آغاز گردید. اما فعالیت گسترده در زمینه‌ی ساخت بقعه بر روی مشاهد معتبر و مزار امامزادگان از دوره حکومت آل بویه (۴۴۷ - ۳۳۳ ه.ق) به ویژه در زمان پادشاهی عضدالدوله فنا خسرو آغاز گردید. در دوران حکومت آل بویه که از دیلم برخاستند، از ابتدای امر شیعه‌ی دوازده امامی بودند و تا آخر امر نیز به عقیده‌ی خود وفادار ماندند و حتی توانستند به عنوان حاکم مطلق در سرزمین خلافت، مقاومت سنیان را در برابر تبلیغات شیعیان سخت محدود کنند. علنی شدن مذهب تشیع بخصوص در بنا نمودن زیارتگاه‌های تازه برای شیعیان به ظهور پیوست، یعنی آنها نه تنها سرداب سامرا محل غیبت امام دوازدهم را بعنوان مکان متبرک زیارت می‌نمودند، بلکه در ایران نیز مشاهد مقدسی بنا کردند؛ بخصوص مرقد امام رضا در مشهد. به همین سیاق مدفن افراد منسوب به خاندان رسالت مورد توجه قرار گرفت و آغازی شد برای ساخت بقاع متبرکه‌ی مختلف.

در مورد مقابر امرای دیلمی در ری نیز در کتب تاریخی موارد مختلفی ذکر شده است. مقدسی در احسن‌التقاسیم، از گنبدهایی که دیالمه بر روی مزار خود در ری ساخته بودند یاد کرده است (۲۲). این مزارها در دامن کوه ری واقع بوده‌اند. آندره گدار کوهسار نقاره‌خانه را در گورستان ری و عهد دیلمیان و سلجوقیان می‌دانسته است. یکی از سنن دیرین ایرانیان پیش از اسلام، یعنی دفن اموات در کوهستان در اوایل دوره اسلامی باقی و معمول مانده بود. به این جهت کوهسارهای کوچکی که به طور مجزا در جنوب طبرک یعنی کوه مشرف به تقی‌آباد و دنباله کوه طبرک که به کوه بی‌بی شهربانو معروف است، تماماً محل قبرستان‌های شهر ری در عهد آل بویه و سلجوقی بوده است (۲۳). در عهد دیلمیان جسد را با کفن و روپوش و تابوت و در برخی موارد بدون تابوت در قبرهایی که در دل کوه تراشیده بودند نهاده و جهت قبرها هم بر طبق آیین اسلام بوده است (۲۴). ایجاد قبر و گور در دل کوه از رسوم ایران قبل اسلام بوده است که موارد زیادی از این گونه قبرها یا گوردخمه‌ها از دوره‌ی هخامنشیان در نقش رستم و تخت جمشید بر بدنه‌ی کوه رحمت قابل رؤیت است.

یافته‌ها

به طور کلی در قرون سوم و چهارم ه.ق. که هم‌زمان با تأسیس سلسله‌های مذکور (علویان و آل بویه) است؛ از یک طرف با قدرت یافتن مذهب تشیع و از طرف دیگر با تسلط کامل آنها بر عباسیان و تضعیف قدرت خلفا، ساخت امامزاده‌ها و بقاع متبرکه وارد مرحله تازه‌ای گردید و مورد توجه خاص قرار گرفت. شکل‌گیری حکومت‌های محلی مستقل و ضعف قدرت عباسی



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

راه را برای ایجاد مقابر غیر مذهبی نیز فراهم کرد و از این دوره به بعد با رشد و شکوفایی بناهای آرامگاهی مربوط به بزرگان و دولتمردان و امراء و ... مواجه هستیم و ساخت مقابر مذهبی و غیر مذهبی در معماری اسلامی جای خاصی پیدا می‌کند. آنچه که در اینجا اهمیت می‌یابد، این است که ساخت و شکوفایی مقابر در این دوره تنها در ارتباط با قدرت گرفتن حکومت‌های شیعی مذهب چون علویان و دیلمیان نبوده که به برپایی مقابر برای بزرگان و امامان خود همت گماردند؛ بلکه سامانیان نیز در این مورد موفق بوده‌اند. امیران سامانی که تقریباً همزمان با آل بویه بر بخش‌هایی از خراسان و ماوراءالنهر حکومت می‌کردند، حنفی مذهب بودند و بخارا، پایتخت آنها، یکی از مراکز عمده‌ی مذهب حنفی بود (۲۵).

با شروع سلسله سلجوقی هم مسجد هم آرامگاه به یکی از مهمترین ساختمان‌های مذهبی توسعه پیدا کرد. ساختن مقابر از اول به دو صورت مختلف انجام می‌گیرد: مقبره به شیوه برج‌های مقبره‌ایی و مقابر با طرح چهار ضلعی گنبدار. هر دو نوع آن در شرق ایران در خراسان تکمیل می‌شود و به عنوان مقابر امرای ایرانی یا ترکی و یا فرمانداران بنا می‌گردد. مقابری که به صورت برج ساخته شده‌اند، ظاهراً با بناهایی از این گونه مرتبط می‌شوند که در دوران قبل از اسلام وجود داشتند و با گذشت دوران عباسیان به صورت ابنیه عظیم درآمد است. با قدرت گرفتن سلجوقیان و تأسیس حکومت آنان در ساخت مقابر و بناهای آرامگاهی نیز تحولاتی ایجاد شده و ایجاد این بناها نیز وارد مرحله‌ی تازه‌ای می‌شود. در این دوره برج‌های مقبره‌ای نسبت به آرامگاه مربع شکل برتری می‌یابد و از طرف دیگر، مقابر چهار ضلعی نیز شکل کامل‌تری به خود می‌گیرند. در این دوران هر چند بناهای غیر مذهبی به بزرگان تعلق داشت، اما عرفاء و اولیای دین نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند و بناهای درخور شایسته‌ای برای خود ایجاد کردند (۲۱). شاید بتوان گفت که مهم‌ترین دلیل در ساخت مقابر طی این دوره برای پادشاهان و حاکمان و شیوخ، سنی مذهب بودن سلاجقه باشد و همانطور که هیلن براند نیز اشاره می‌کند بیشتر مقابر این دوره در ارتباط با بزرگان مذهب تسنن و از نوع مقابر برجی شکل است (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۲۸۲).

محمد یوسف کیانی نیز در ارتباط با مقابر دوره سلجوقی و مقایسه آنها با دوره‌های قبل اختلافاتی را متذکر می‌شود. وی نیز برتری مقابر برجی نسبت به آرامگاه‌های چهارضلعی را بیان می‌کند و به متکامل‌تر شدن آنها اشاره دارد. ایشان عنوان می‌کنند که:

«در این دوره تغییراتی در دهلیزهای دیده می‌شود مانند آرامگاه سنجر در مرو که به دهلیز آن طمطراق دارد و نو آوری‌های تازه‌ای در آرامگاه به وجود آمده است آرامگاه‌های بزرگ سلجوقی از گنبد خانه‌های مساجد اقتباس شده است. ساخت سردابه یکی از اجزایی است که از همین دوره شروع می‌شود و در قرن هفتم گسترش می‌یابد. در خاتمه باید گفت در بعضی از آرامگاه این دوره تزئینات بیرونی بنا افزایش یافته است مانند مقبره علویان و عملکرد پیش طاق در بعضی از آنها مانند هارونیه توس اهمیت تازه‌ای پیدا کرده است همچنین مفصل بندی پرکار بیرونی مانند مقبره جبل سنگ در کرمان و مقبره امام یزد بارزتر شده است.» (۱۸).

کاشی‌های فیروزه‌ای نمای گنبد سرخ مراغه (۵۴۲ ه.ق) نیز سبکی نو در معماری آرامگاهی این دوره بود (Azami and Yasrebi, ۲۰۰۸, P. ۱۳۸). در دوره سلجوقیان شمار مساجد که تا قبل از این، در این دوره بیشترین حجم معماری به مقابل و منارها اختصاص یافت و از شمار مساجد کم شد (۲۷). در این زمان بیشتر آرامگاه‌ها برای پادشاهان و حاکمان ساخته می‌شد در این دوره سنت اهل سنت آرامگاه ائمه اطهار کمتر شد و کمتر در رده برج‌های آرامگاهی قرار می‌گیرند (۱۲).

تزئینات بناها در اوایل آنها به نمای بیرونی اختصاص داشت که به صورت هندسی بود اما بعدها آجر همراه با آجر لعابدار در تمام سطح این بناها به کار رفت (۱۹). نوع گنبدها بیشتر هرمی و قوسی بود. نمای داخل آنها به صورت ساده و دارای پوشش گچی بوده است اجزای اساسی مقابل مانند گوشواره و گنبد و غیره از آجر ساخته می‌شد (همان، ۴۵۰). استفاده از گنبد دو پوش در بناهایی چون مقبره متأخر خرقان، مورخ ۴۸۶ ه. ق و ایجاد سردابه جهت تدفین اجساد برای اولین بار در دوره سلجوقی از اهمیت به سزایی برخوردار می‌گردد (۱۳). در شکل کلی در رابطه می‌توان گفت آرامگاه‌های دوره سلجوقی بیشتر به



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

صورت دو طبقه احداث می‌شدند. طبقه بالایی محل اتاق مقبره و طبقه زیرین محل دفن جسد بوده است. طبقه بالا بیشتر برای انجام فرایض دینی مورد بهره برداری قرار می‌گرفت به همین دلیل در این نوع بناها محراب در جهت قبله وجود دارد. این نوع بناها در داخل خود به وسیله یک سقف نیم دایره و در بیرون به وسیله یک گنبد با حفظ تناسب بدنه پوشانده شده‌اند (۷).

ساختار کلی اکثر مقابر دوره سلجوقی از آجر است، البته نمونه‌هایی از این دوره وجود دارد که معماری کاملاً سنگی دارند؛ همچون گنبد علی در ابرقو، برج‌های سمیران، جبال سنگ در کرمان و همچنین مقبره سه‌گنبد ارومیه (۶). آرامگاه‌های دوره ایلخانی از معماری سلجوقیان گرفته شده است. بناهای این دو دوره از نظر پلان خیلی به هم شباهت دارند. در این دوره مانند دوره سلجوقیان بناهای مذهبی مانند مساجد زیارتگاه‌ها و مدارس و آرامگاه‌ها بر دیگر بناها برتری دارد. در دوره سلجوقیان پلان معماری در مرحله آزمایش بود ولی در دوره ایلخانی مسئله ترکیب اشکال و تزیین ساختمان بوده است. معماری دوره سلجوقی شکل اولیه معماری بعد از خود است و در طی یک دوره سیصد ساله در ایران سیر تکامل را طی کرد. در این بناها تاکید فراوان به عمود بودن و ظرافت شکل‌های آن توجه می‌شده است و با مقایسه با قبل این نوع بناها تغییر داده شده است و این نوع بناها نسبت بلندی به افق ایشان بلند شده‌اند. ایوان دوره سلجوقی پهنا داشته، ولی ایوان دوره ایلخانی بلندتر شده است. خطوطی باریکی دارند. دیوارهای بنا دوره ایلخانی بیشتر فاصله یا پنجره دارند (۱). در دوره ایلخانی کوشش بسیاری به عمل آمد تا ویرانه‌های حمله مغول ترمیم شود. در این زمان، بناها را با خشت پخته یا خام و باشتاب و بدون نما می‌ساختند. تنوع اندازه و رنگ و جنس آجرها حکایت از این دارد که این ماده ساختمانی همچنان در سراسر ایران کاربرد داشته است و ایرانیان از همان سده‌های نخستین اسلامی، به سنت دیرینه خود در آجرپزی و آجرکاری بسیار استاد بوده‌اند، ولی عنایت به تزیین بناهای آجری به صورت گسترده‌تر از دوره غزنویان، به اوج کمال خود رسید (۲۸)

در زمینه معماری دوره ایلخانی نسبت به دوره سلجوقی دستاوردی به وجود نیاورد. اما در بناهای چارگوش تفاوت آشکاری دیده می‌شود. نمونه آن مقبره الجایتو بوده است این نوع بنا با ارتفاع ۵۳ سانتیمتر بلندترین آرامگاه در ایران است (۱۶). در طی این راه‌آورد دوره سلجوقی همچنان مورد استفاده قرار گرفت و فقط بر ارتفاع بر بناهای برجی افزوده شد. بیشتر آرامگاه‌های این دوره داری محراب گچ بری هستند. در آرامگاه‌های این دوره جسد یا در تابوت سنگی جای داده می‌شد و یا در زیر اتاق که دسترسی به آن در قسمتی از گوشه ساختمان میسر بود. (۱). پیش‌طاق در بعضی از مقابر این دوره مانند بنای هارونیه در توس و آرامگاه شیخ لقمان در سرخس که هر دو متعلق به قرن ۸ هجری می‌باشند، اهمیت تازه ای یافت (۲۹). کاربرد گنبد دوپوش، ایجاد گنبد‌های بیضی شکل بر روی ساقه استوانه‌ای، به‌کارگیری گنبد پیازی شکل که از قرن هشتم متداول می‌شود، باریک جلوه دادن جزئیات ساختمانی در نمای بنا، استفاده از گودی‌ها (نغول) فرورفته و طاقنماهای عمیق. از جمله دیگر عناصر موجود در آرامگاه‌های دوره ایلخانی است. طی این دوره همچنین تلفیق آجر و کاشی و همچنین تزیینات گچی از جمله مهمترین شیوه‌های تزئین در معماری مقابر و دیگر بناها به شمار می‌رود. از قرن هشتم هجری به بعد نصب ضریح چوبی بر روی مقابر به شیوه نمادین متداول شد. صندوق‌های چوبی منبت‌کاری شده نام بسیاری از درودگران هنرمند را بر خود دارد (۱۸).

به طور کلی آرامگاه‌های عصر ایلخانی بیشترین داده را به خود اختصاص داده است. این به دلیل توجه مردم به عارفان و اولیای دین بوده است. همچنین آزادی مذهبی شیعیان و علت تمایل برخی شاهان ایلخانی به آیین شیعه بوده است (۲۰).

نتیجه‌گیری

به طور کلی و با توجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان عنوان کرد که در قرون ۱ و ۲ هجری مقبره و بنای یادبودی که بتوان به قطعیت به این دوره نسبت داد، در ایران وجود ندارد و طی این دوره هیچ بنای آرامگاهی، اعم از مذهبی و



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

غیر مذهبی، ساخته نشده است. پس از این دو قرن و از سده سوم و چهارم هجری قمری از یک طرف با قدرت گفتن مذهب تشیع و از طرف دیگر با تسلط کامل آنها بر عباسیان و تضعیف قدرت خلفا، ساخت امامزاده‌ها و بقاع متبرکه وارد مرحله تازه‌ای گردید و مورد توجه خاص قرار گرفت. طی این دوره از یک طرف حکومت‌های شیعی مذهب پا به عرصه وجود می‌گذارند و از طرف دیگر، حکومت مرکزی، یعنی حاکمیت خلفای عباسی رو به افول و ضعف نهاده می‌شود. این امر موجب می‌گردد که طی قرون ۳ و ۴ هجری، ساخت بقاع متبرکه و همچنین آرامگاه‌های غیر مذهبی در ایران و سرزمین‌های هم‌جوار رشد و نمو پیدا کند. در شروع دوران اسلامی نبود بناهای آرامگاهی باعث شد که روند شکل‌گیری آن‌ها به کندی پیش برود، ولی با این وجود می‌توان گفت شروع آنها از قرن چهارم هجری به بعد دید. از این قرن ما بناهایی داریم که می‌توان به آنها نام مقبره به خود گرفت. عصر سامانی دوره‌ای درخشان در معماری است به طوری که شروع آرامگاه‌سازی غیر از امامزاده‌ها به فرماندهان سامانی بر می‌گردد زیبایی بناها باعث شد که این نوع بناها راه خود را پیدا کند. از دیدگان نیارشی باید ذکر کرد که مقابر و بناهای آرامگاهی طی این دوره، همانند بناهای شیوه معماری پارتی بوده و در معماری این دسته از بناها، از همان اصول و عناصر معماری همچون، قوس‌های مازهدار، گوشه‌سازی‌ها، نحوه اجرای گنبد، کوردها و پنجره‌های کور و غیره در مقابر آرامگاهی بهره برده شده است. در این دوره کتیبه‌نویسی بر روی بناها به ندرت انجام می‌گرفته و در نمونه‌های موجود نیز، کتیبه‌های کوفی در کنار کتیبه‌های پهلوی استفاده شده است. این امر نشان می‌دهد که با وجود گذشت نزدیک به چهار قرن از شروع دوره اسلامی در ایران، روح ایرانییت و آیین‌های قبل از اسلام همانند دین زرتشتی، همچنان در وجود مردم شعله‌ور و زنده نگه داشته شده است.

در دوره سلجوقی شاهد پیشرفت کلی و همه جانبه در ارتباط با ساخت بناهای آرامگاهی هستیم. در این دوره برج‌های مقبره‌ای نسبت به آرامگاه مربع شکل برتری می‌یابد و از طرف دیگر، مقابر چهار ضلعی نیز شکل کامل‌تری به خود می‌گیرند. مقابر دوره اسلامی از نظر ریخت‌شناسی به دو گروه اصلی مقابر برجی شکل و مقابر غیر برجی یا مقابر چندضلعی گنبددار تقسیم می‌شود. از اواخر قرن چهارم هجری قمری به بعد، محبوبیت برج‌های مقبره‌ای به مقابر غیر برجی غلبه پیدا کرد و این برتری و غلبه چنان نمایان بود که تقریباً همه گونه‌های مهم مقابر برجی را می‌توان در دوره حاکمیت سلاجقه در ایران مشاهده کرد. با مطالعه‌ای که بر روی بناهای آرامگاهی دوره سلجوقی از نظر نوع فرم و شکل، مصالح و تزیینات، نقشه و نوع پوشش انجام گرفته، نشان می‌دهد که در مقابر دوره سلجوقی انواع طرح‌ها و نقشه و انواع طاق و گنبد در مقابر این دوره مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدون شک در معماری دوره سلجوقی آجرکاری و تزیینات متعلق به آن مهمترین نقش را ایفا کرده است. در بناهای این دوره آجر به شیوه‌های بسیار ماهرانه و به گونه‌های مختلف به کار گرفته شده است. به رسم دوره سلجوقی سطوح خارجی بناهای این دوره بدون هیچ پوشش خاص و ساده رها شده و آنچه که در نمای معماری متعلق به این دوره خودنمایی می‌کند، تنها آجرکاری و نقوش تزیینی حاصله از آن است. البته نمونه‌هایی از این دوره وجود دارد که معماری کاملاً سنگی دارند؛ همچون گنبد علی در ابرقو، برج‌های سمیران، جبال سنگ در کرمان و همچنین مقبره سه گنبد ارومیه. نمونه‌هایی نیز از این دوره ساختاری آجری - سنگی دارند، بدین صورت که در پی و سردابه بنا از سنگ بهره برده‌اند و در ساختمان و گنبدخانه آن از آجر و تزیین‌کاری‌های مفصل آن استفاده شده که از جمله این مقابر می‌توان به مقابر برجی شکل مراغه اشاره کرد. در دوره سلجوقی تنوع مقابر به لحاظ نقشه و پلان مشاهده می‌گردد؛ به طوری که از مقابر با پلان مدور می‌توان به برج مدور مراغه، سه گنبد ارومیه، برج مهماندوست و مقبره چهل دختران دامغان و غیره، از مقابر با پلان مربع به گنبد سرخ مراغه، مقبره پیر تاکستان، از مقابر با پلان هشت ضلعی به گنبد علی ابرقو، برج‌های خرقان قزوین و جبال سنگ کرمان، از مقابر با پلان ده ضلعی به گنبد کبود مراغه و از مقابر با پلان دوازده ضلعی به امامزاده نور گرگان اشاره کرد. در دوره سلجوقی کار تزیین بنا بسیار مورد توجه معمار و سازنده‌ی بنا بوده و آجرکاری در طرح‌های مختلف، مهمترین زینت این دسته از بناها بوده است. تنوع تزیینات آجرکاری بر بدنه بیرونی گنبد سرخ مراغه و برج‌های خرقان قزوین در نوع خود بی نظیر است. پس از کاشیکاری، گچبری و در اواخر این دوره نیز کاشی‌کاری به بر جبهه اصلی برخی از بناها همچون برج مدور و گنبد کبود



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

مراغه بکار گرفته شده است. در اواخر دوره سلجوقی سادگی مطلق نمای داخلی برجها نیز دگرگون شده و تاق نماهای باریک و بلند درون بناها را آراسته است. از دیگر ویژگی‌های معماری مقابر سلجوقی در کنار تزئینات آجرکاری، ایجاد کتیبه و خطوط تزئینی در نمای بناها به وسیله آجر تراشیده است. استفاده از آجر تراشیده جهت کتیبه‌نگاری در مقابر سلجوقی، در اکثر بناها به چشم می‌خورد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کتیبه‌های مقابر سلجوقی شمال غرب، به گروه‌های مختلفی از جمله: کتیبه‌های آیات قرآنی، کتیبه با مضمون تاریخ بنا، کتیبه با مضامین دعا، کتیبه با مضمون معمار و بانی بنا و... تقسیم می‌شوند. این کتیبه‌ها در مقابر این دوره بیشتر در نمای خارجی بناها مورد استفاده قرار گرفته است و نمای داخلی اکثر این بناها، همان‌طور که ذکر گردید، ساده رها شده است.

با بررسی بناهای برجای مانده از دوره ایلخانی می‌توان دریافت که در این دوره نیز به مانند دوره سلاجقه ساخت ابنیه مذهبی همچون مساجد و مدارس و آرامگاه‌ها بیش از بناهای غیر مذهبی مورد توجه بوده است. در این دوره به دلیل سیاست‌های مختلف مذهبی مغولان، خصوصاً از دوره غازان خان و الجایتو به بعد، شیعیان ایران آزادی بیشتری می‌یابند. بنابراین علاوه بر ساخت مقابر برای عارفان و بزرگان و مقدسین، مقابری نیز برای امامزادگان ساخته شد که از جمله آنها می‌توان به امامزاده‌های قم و امامزاده قاسم عجب شیر که مربوط به قرن هشتم هجری می‌باشند، اشاره کرد. طی این دوره نیز مقابر بسیاری به مانند دوره سلجوقی و حتی در سطحی بیشتر، در سایر نقاط ایران ساخته شد که از جمله مهمترین آنها می‌توان مقبره غازان در تبریز که امروزه به کلی ویران شده‌اند و اثری از آن نیست و یا مقبره الجایتو در سلطانیه که در نوع خود بی‌نظیر است اشاره کرد. مقابر دوره ایلخانی تحت تاثیر سنت‌های معماری دوره‌ی سلجوقی بوده و در هر دو دوره از طرح‌ها و سازه مشترک (سنگ در سردابه و آجر در گنبدخانه) استفاده شده و بناها اغلب در دسته مقابر برجی شکل جای دارند. به نظر می‌رسد که در دوره سلجوقی و ایلخانی کار تزئین بنا بسیار مورد توجه معمار و سازنده‌ی بنا بوده و آجرکاری در طرح‌های مختلف و پس از آن کاشیکاری، بخصوص در عصر ایلخانان مهمترین زینت این دسته از بناها بوده است. باید ذکر کرد که بر خلاف دوره سلجوقی که دورن‌خانه مقابر ساده رها می‌شده، در مقابر ایلخانی کار تزئین قسمت‌های درونی بناها نیز به وفور انجام می‌گرفته است.

ایلخانان در زمینه‌ی معماری دستاورد تازه‌ای به وجود نیاوردند، ولی در زمینه پلان چهار گوش اقدامات نوینی انجام دادند. مقابر این دوره با سبک جدید و متفاوت به منصفه ظهور گذاشتند در این دوره بناهایی با گنبد زیاد و کاربندی‌های زیر گنبد زیبایی آنها را دوچندان کرد. پیش‌طاق در بعضی از مقابر این دوره مانند بنای هارونیه در توس و آرامگاه شیخ لقمان اهمیت خاصی می‌یابد که این عنصر در ادوار پیشین کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت. کتیبه‌نگاری بر بدنه داخلی و خارجی بناها در این دوره بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر خلاف دوره سلجوقی که کتیبه‌ها بیشتر در نمای خارجی بودند، در دوره ایلخانی نمای داخلی بناها نیز بیشتر با کتیبه تزئین می‌گردد. علاوه بر این از نظر مضمون کتیبه‌ها نیز باید عنوان کرد علاوه بر استفاده از کتیبه‌هایی با مضامین دوره سلجوقی، در مقابر دوره ایلخانی، شعائر مذهبی شیعی (همچون، علی ولی الله) و نام امامان معصوم نیز در بیشتر بناها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مراجع

۱. ویلبر، د و گلمبک، ل.، ۱۳۷۴. معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه محمدیوسف کیانی و کرامت ا... افسر، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲. کیانی، م ی، ۱۳۶۸. شهرهای ایران، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. اتینگهاوزن، ر؛ گرابر، ا، ۱۳۸۱. هنر و معماری اسلامی (۱)، ترجمه سی یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران: سمت



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

۴. شکاری، ج.، ۱۳۵۸. امام زاده معصوم و روحی مراغه، مطالعات ایرانی، سال پنجم، شماره دهم
۵. بلر، ش؛ بلوم، ج.، ۱۳۸۱. هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، سمت
۶. معروفی اقدم، ا.، ۱۳۹۲. تحلیل بر مقابر آرامگاهی اهل سنت دوره قاجار در آذربایجان غربی و مقایسه با مقابر هم عصر شیعی در منطقه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. دادخواه، پ؛ حاتم، غ.، ۱۳۹۲. گنبدخانه تاج الملک، بازتاب هنر و زیبایی، نقش مایه، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۱۲-۶.
۸. معینه السادات حجازی، س ع.، ۱۳۹۱. بررسی چگونگی تاثیرگذاری فضاهای امام زاده ای بر حفظ هویت اسلامی شهروندان نمونه موردی امام زاده میربزرگ آمل، همایش بین المللی دین در آئینه هنر. غیر دولتی - دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
۹. حسین نژاد، ا.، ۱۳۹۳. پژوهشی در معماری مقبره های برجی شکل مازندران، دومین همایش ملی هنر تبرستان، بابلسر، دانشگاه مازندران.
۱۰. مطلبی، ز؛ اصلانی، ح.، ۱۳۹۳. شناسایی و معرفی نقوش تزیینات آجرکاری و گچبری محراب مسجد جامع برسیان، نشریه پژوهش هنر، سال چهارم، شماره ۸، صص ۸۵-۷۱
۱۱. حسینی، س ه.، ۱۳۸۹. معرفی سبک مقبره سازی متصوفه آذربایجان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۳، صص ۵۷ - ۶۸.
۱۲. هیلن براند، ر.، ۱۳۸۳. معماری اسلامی، شکل، کارکرد، معنی، ترجمه ی باقر آیت الله زاده شیرازی، چاپ دوم، تهران، روزنه
۱۳. گرابر، ا.، ۱۳۷۵. اولین بناهای یادبودی اسلامی، ترجمه کلود کلباسی، مجله اثر، شماره ۲۶ و ۲۷.
۱۴. دانشوری، ع.، ۱۳۹۰. مقابر برجی سده های میانی ایران، ترجمه جواد نیستانی و زهره ذوالفقاری کندری، تهران: سمت.
۱۵. کیانی، م ی.، ۱۳۸۷. معماری ایران دوره اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
۱۶. هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷. معماری اسلامی فرم عملکرد و معنی، ترجمه دکتر ایرج اعتصام، تهران: ناشر شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
۱۷. نیستانی، ج.، ۱۳۸۲. پژوهشی در بناهای آرامگاهی مازندران مرکزی در قرن ۹ هجری (با تاکید بر ویژگی های معماری بومی)، رساله دکتری رشته باستان شناسی گرایش اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ص ۲
۱۸. کیانی، م ی.، ۱۳۸۳. تاریخ هنر معماری ایران در دوره های اسلامی، چاپ دوم، تهران: سمت
۱۹. شهریاری، ش.، ۱۳۷۷. نقش آجرکاری در تزئین مقابر دوره سلجوقی قرن پنجم و ششم هجری قمری در ایران، رساله کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه تهران.
۲۰. غروی، م.، ۱۳۷۶. آرامگاه در گستره های فرهنگ ایرانی، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۱. زرین کوب، ع ج.، ۱۳۷۹. تاریخ ایران (جلد ۴)، "هنرهای دیداری" نوشته الگ گرابر، ترجمه حسن انوشه، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. مقدسی، شمس ا.، ۱۹۰۹. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، چاپ دوم، نشر لیدن.
۲۳. آزاد، م.، ۱۳۸۱. معماری ایران در قلمرو آل بویه، چاپ اول، تهران: انتشارات کلیدر.
۲۴. کریمان، ح.، ۱۳۵۴. ری باستان، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۲۵. اشپولر، ب.، ۱۳۶۴. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه ی مریم میراحمدی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی، جلد اول
۲۶. ویلبر، دونالدن.، ۱۳۴۶. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.

نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

